

# همکاری و ناهمکاری ایرانیان: فراتحلیل مقاله‌های فارسی

## موجود

دکتر جعفر هزار جریبی\*

یاسر باقری\*\*

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۲۲

## چکیده

مشارکت (یاریگری، همکاری، تعاون) به دلیل ارتباط تنگاتنگ با توسعه، دموکراسی، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

پیچیدگی جامعه ایران و اندک بودن پژوهش‌هایی که به گونه‌ای غیر ایدئولوژیک این جامعه را مورد کاوش قرار داده‌اند، سبب اظهار نظرهای

---

\* . دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* . کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

Baghery.yaser@gmail.com

متفاوت و حتی متضاد درباره مشارکت جویی یا مشارکت‌گریزی (همکاری و ناهمکاری) ایرانیان شده است. جدلی که به طور رسمی با ادعای خانم لمبتون - در نیم قرن قبل - مبتنی بر تکروری کشاورزان ایرانی آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد.

این پژوهش با روش فراتحلیل انجام شده و حدود ۷۶ مقاله علمی در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش، مشارکت سیاسی مهمترین دغدغه مشارکتی نویسان بوده و همچنین غالب مقالاتی که در مورد مشارکت ایرانیان اظهار نظر کرده‌اند، به یک نقطه عطف در صد سال اخیر ایران باور دارند. حدود ۸۳ درصد از پژوهش‌هایی که پیرامون مشارکت زنان اظهار نظر کرده‌اند، بر این باورند که میزان مشارکت زنان در جامعه ایران پایین است. نتایج حاصل از آزمون فی دو نیز نشان می‌دهد که بین استفاده از روش کمی / کیفی و میزان مشارکت رابطه معنادار وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت، همکاری توسعه، فراتحلیل مشارکت

سیاسی، جامعه ایران

مشارکت در حیات اجتماعی انسان دارای سابقه‌ای کهن و دیرینه است هرچند که در دنیای جدید از دهه ۱۹۷۰ به بعد است که در ادبیات توسعه در قالب رویکردهای مشارکتی مورد توجه واقع می‌شود (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۱). این مفهوم در قالب ابعاد و معانی متعدد و متفاوت در مرکز توجه جامعه علمی قرار گرفته است و در جامعه ایران نیز اگرچه چند دهه پیش مباحثی کم و بیش اندک درباره آن مطرح بود اما در سال‌های اخیر، تعداد مقالاتی که درباره این مقوله نوشته شده، قابل توجه است و اگر دغدغه نویسندگان در سال‌های پیش مباحثی همچون تکروری کشاورزان و روستاییان و یا همکاری و مشارکت آنان بود، به مرور زمان این مسئله در سایر ابعاد نیز مورد بررسی قرار گرفت و دامنه آن به مباحث مشارکت جویی و مشارکت‌گریزی ایرانیان در طول

تاریخ<sup>۱</sup>، مشارکت سیاسی آنان، مشارکت در طرح‌های توسعه و حتی مشارکت ورزشی نیز گسترده گردید.

فراگیر شدن جایگاه زنان و رویکردهای جنسیتی در مقولات اجتماعی، پای آنان را به مباحث مشارکتی نیز باز نمود و این مسئله تا جایی پیش رفت که سهم قابل ملاحظه‌ای از نوشته‌ها و مقالات را در بر گرفت. بدون تردید در این میان تلاش‌های پژوهشگرانی که با معرفی و تشریح تعاونی «واره» بحث مشارکت زنان در جامعه سنتی را معنادار نمودند، انکار ناپذیر است (نگاه کنید به فرهادی، ۱۳۸۷).

از طرفی گرایش صاحب‌نظران به بحث دموکراتیزاسیون در ایران نیز سبب روی آوردن آنان به بحث مشارکت سیاسی و شرکت‌آحاد مردم در تعیین سرنوشت خویش گردید. شیفتگان جامعه مدنی، مدیریت محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز باید به این گروه اضافه نمود. این افراد مشارکت را در ابعاد خاصی از جمله شرکت در نهادهای مختلف و مشارکت مدنی مورد بررسی قرار می‌دهند.

اما سرانجام باید به مقوله سرمایه اجتماعی اشاره نمود که بویژه در دهه ۸۰ به شدت مورد توجه دانشجویان و علمای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت و به ترجیح بند فهرست پژوهش‌های دانشگاهی تبدیل شد و حتی در برنامه چهارم توسعه نیز بر ضرورت آن تاکید گردید. از آنجا که یکی از مولفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی، مشارکت می‌باشد، این واژه بار دیگر به گسترش نوشتارهای علمی در حوزه مشارکت دامن زد.

با توجه به مطالب بالا، به نظر می‌رسد که امروزه دیگر دست کم از منظر کمیّت نوشته‌ها در حوزه مشارکت وضعیت با گذشته بسیار متفاوت می‌باشد. هرچند در مورد کیفیت این نوشته‌ها، وضعیت خوشایندی حاکم نیست و بسیاری از مقاله‌هایی که به تکرار

---

۱- بلافاصله باید اضافه کنیم که تنها یکی دو پژوهشگر به طور جدی و مستقیم به این مسئله پرداخته‌اند: مرتضی فرهادی بوسیله کارهای میدانی خویش و پرویز پیران در تحلیل محتوا و کارهای کتابخانه‌ای اش. سایر پژوهش‌ها به اشاره و به صورت سطحی از آن گذر کرده‌اند.

مطالب پیشین پرداخته‌اند، بی آنکه چیزی بدان بیفزایند. البته با همه این مسائل و حتی با پذیرش مشکلات کیفی آنها، باز هم تعداد پژوهش‌های علمی که به بحث مشارکت در جامعه ایرانی پرداخته‌اند، چندان زیاد نیست و تنها سخن از کلی گویی‌ها و تاکید بر اهمیت آن است.

از این رو با همه آنچه در مورد علل فراگیر شدن مسائل مربوط به مشارکت در جامعه ایرانی گفتیم، باید اعتراف کنیم که از منظر بررسی میزان، ابعاد و انواع مشارکت در گذشته و حال ایران، همچنان با کاستی‌هایی در این زمینه روبرویم تا آنجا که به قول دکتر توسلی تحقیق درباره مشارکت اجتماعی اعم از مشارکت سنتی یا در معنای جدید آن، هنوز هم در مراحل نسبتاً ابتدایی قرار داریم (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۹۱). برای مثال مشارکت سنتی در مال و بلوک و سازمان‌های گالشی، کردی، گاومیش داری، مال، بلوک، سازمان‌های صیادی جوامع روستایی و عشایری و همچنین سازمان‌های مشارکتی وسیع در سطح استانی در مناطقی که رودخانه‌های بزرگ دارند (همچون مشارکت حق آبه داران رودخانه زاینده رود و غیره که شهری همچون اصفهان و شهرک‌ها، شهرها و روستاهای بسیاری دیگر را در برگرفته است)... و نیز انجمن‌ها و سازمان‌های مشارکتی اصناف در شهرها و شهرک‌های ایران که گاه در تاریخ توانسته‌اند حکومت ساز نیز باشند، هنوز مورد بررسی انسان‌شناسانه و تاریخی قرار نگرفته‌اند، از این منظر حتی برخی کشورهای عربی... از ما جلوترند<sup>۱</sup>

### اهمیت پژوهش

تأثیرات همکاری، جمع‌گرایی و مشارکت و یا صفاتی خلاف آن برای یک ملت، چه از بعد اجتماعی و چه از بعد اقتصادی و روانی دارای چنان اهمیتی است که صرف وقت [حتی در حد چند دهه از عمر] درباره آنرا معنادار می‌کند (فرهادی، ۱۳۸۸-۲:

۱- یادداشتی از دکتر مرتضی فرهادی بر مطلب فوق

۳۰۴) سخن‌هایی از این دست در باب اهمیت مشارکت فراوان است؛ گاه مشارکت را شرط لازم برای دموکراسی خوانده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۴)؛ گاه مشارکت را معادل با توسعه خوانده‌اند: «همگان براین نکته اذعان دارند که مشارکت درعمل فصلی از توسعه به شمار می‌آید، تا آنجا که گاه توسعه را معادل مشارکت می‌دانند. از این روست که هیچ نوع توسعه‌ای تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه مردم تشویق شوند تا سطح زندگی‌شان را ارتقا دهند» (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). برخی از پژوهشگران همچون گروتات نیز، مشارکت اجتماعی، را به عنوان تنها مولفه سرمایه اجتماعی به کار برده‌اند (شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۴۱)؛ برخی از نظریه پردازان فقر را ناتوانی در مشارکت اجتماعی می‌دانند (همان، ۳۶) و ناتوانی مردم در مشارکت را یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت برنامه‌های توسعه (همان، ۳۶-۳۷). و اساساً توسعه روستایی بدون نهادینه شدن مشارکت، امری دور از دسترس تلقی شده است (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۷). از طرفی متون دینی، تعالیم و سیره بزرگان دین نیز مفاهیم و فرایندهای مشارکتی را در قالب مفاهیمی چون تعاون، شور و مشورت، وحدت و اتفاق نظر موردعناایت و توجه قرار داده‌اند (دهقان و غفاری ۱۳۸۴: ۶۸). برخی نیز با قلمداد کردن «دگر دوستی» به عنوان یکی از انواع مشارکت و یاریگری (همچون مساوات و ایثار) آن را پادزهر تجویزی تمام ادیان و غالب فرهنگ‌ها و مصلحان جهان برای شکستن درهای زندان خود، دانسته‌اند (فرهادی، ۱۳۸۹: ۸).

خلاصه آن که سخن درباره اهمیت مشارکت فراوان است و تنوع و تعدد آنها تا آنجاست که دامنه‌اش بازه بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد؛ از راه حل اساسی برای بسیاری از معضلات و مشکلات و عقب ماندگی‌ها گرفته تا کلید دستیابی به طیف وسیعی از وضعیتهای مطلوب و چشم اندازهای درخشان.

شاید بی‌راه نباشد اگر بگوییم که مشارکت نوشداروی کهنه‌ای است که طبیبان اجتماعی عصر جدید به تازگی خواص آنرا دریافته‌اند؛ نوشدارویی که در دنیای سرمایه‌داری، سالیان سال در زیر خرمن‌گاه و گرد و خاک فردگرایی افراطی پنهان مانده

بود و فریاد تعاون طلبان اروپایی نیز در این زمینه راه به جایی، آن چنان که باید، نمی‌برد.<sup>۱</sup>

پیچیدگی فزاینده جامعه ایران و برخورداری آن از تاریخ پرفراز و نشیب و غیر خطی، و البته بودن اندک پژوهش‌ها و غیر ایدئولوژیکی که جامعه ایران را به عنوان ابژه اصیل (و نه بدیل دیگری) مورد شناخت قرار داده باشد، همه و همه سبب اظهار نظرهای متفاوت و بسیار متناقض در باب مشارکت جویی یا مشارکت‌گریزی ایرانیان شده است.

یکی از مشهورترین این اظهار نظرها مربوط به خانم آن کی اس لمتون<sup>۲</sup> است. وی در سال ۱۹۵۲ در جملاتی که مناقشات بسیاری را در سالهای بعد برانگیخت، در مورد دهقانان ایرانی چنین نوشت:

«آنان در فن همکاری مانند مالکان و دیگر طبقات ایران، نآزموده و بی تجربه‌اند؛ و از این رو دلیلی در دست نیست که نشان دهد آنان در آینده نزدیک خواهند توانست، امری از امور تعاونی را با کامیابی انجام دهند. زارع چنان سرگرم مسائل روزمره است که برای اشتغال به امور سیاسی و غیره رمق ندارد. از این گذشته قرن‌ها ستمکشی و مبارزه با طبیعت هوس باز و وجود نظام ناسازگار اجتماعی باعث شده است که دهقانان در بسیاری از نقاط کشور وضع خود را به دیده تسلیم و رضا و به منزله جزئی از اجزای حوادث متوالی جهان بنگرند» (لمتون، ۱۳۷۷: ۶۸۴).

این ادعا، به مرور زمان از کشاورزان ایرانی فراتر رفته و به همه ایرانیان تعمیم داده شد. و همزمان مورد مناقشه بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفت. طرز نگرش خانم لمتون به برخی از نویسندگان ایرانی علاقمند به تعاون، نیز سرایت نمود؛ غلامرضا سلیمی کیا از این افراد است که با وجود تایید برخی از انواع یاریگریها در شهرها یا

۱- نک به «اجتماعیون تعاون طلب» در تاریخ عقاید سیاسی نوشته شارل ژید و شارل ژست، ترجمه کریم

سنجایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، جلد اول (از فیزیوکرات‌ها تا استوارت میل)»

روستاهای معتقد است که هیچکدام از این اقدامات، آنچنان دامنه‌دار و اصیل نبوده که کارهای انفرادی را تحت الشعاع قرار دهد و اثر بزرگی در زندگی اجتماعی مردم پدید آورد (فرهادی ۱۳۸۸-۱: ۳۱-۳۲).

اما در مقابل تعدادی از افراد به مقابله با این نظریه پرداختند؛ خسرو خسروی یکی از این افراد است. وی در جاهای گوناگون دو اثر معروفش جامعه‌شناسی روستایی ایران و جامعه دهقانی در ایران به رد ادعای تکروی کشاورزان ایرانی پرداخته است. (خسروی، ۱۳۵۸: ۱۲۱) و بر وجود روحیه همکاری از دیرباز در بین آنها تاکید کرده است (خسروی، ۱۳۵۷: ۱۴)؛ (خسروی، ۱۳۵۸: ۹۹)؛ (خسروی، ۱۳۵۸: ۹۲-۹۳)؛ (خسروی، ۱۳۵۸: ۸۲)؛ (خسروی، ۱۳۵۷: ۷۱)

این مناقشات نه تنها آن زمان به نتیجه نرسید که هنوز هم جدل درباره آن ادامه دارد؛ برخی بر مشارکت جویی ایرانیان و برخی بر مشارکت‌گریزی ایشان تاکید دارند. تلاش ما در این جا، شناخت همین اظهار نظرها و مسائل پیرامون آن است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به شناخت بیشتر پیرامون آن دسته از پژوهش‌های علمی است که در یک دهه اخیر به طور مستقیم یا غیر مستقیم به مسئله یاریگری در جامعه ایرانی پرداخته‌اند.

سوال اصلی پژوهش نیز از این قرار است که وضعیت میزان مشارکت از منظر پژوهش‌های علمی سال‌های اخیر، چگونه است؟

موارد دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین شرح است:

- ۱- بررسی توصیفی مقالات در هر مقوله
- ۲- بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بین روش پژوهش و اظهار نظر درباره مشارکتی یا غیرمشارکتی بودن
- ۳- بررسی رویکرد جنسیت در پژوهش‌ها و اظهار نظر درباره میزان مشارکت

زنان

## تعریف نظری

یکی از مشکلات مباحث مربوط به مشارکت، تعدد و تنوع تعاریف آن است، که اتفاق نظر چندانی هم در آن وجود ندارد و به قول مارسدن « مسئله تاکید بر اهمیت مشارکت نیست، بلکه مسئله... دستیابی به یک توافق درباره مفهوم این واژه است، به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکانپذیر باشد.» (فرهادی، ۱۳۸۱-۱: ۷). این مشکل را آقای مطیعی لنگرودی نیز به عنوان مسئله مشارکت در توسعه روستایی می‌داند (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). دشواری در تعریف معنای اصطلاحی مشارکت به اندازه‌ای است که گاه تا وارونگی و تضاد پیش می‌رود (فرهادی، ۱۳۸۱: ۷).

در این جا به جزییات مشکلات این تعاریف نمی‌پردازیم و تنها به این مورد بسنده می‌کنیم که بسیاری از این تعاریف، خصوصیات منطقی یک تعریف را رعایت نکرده‌اند (فرهادی، ۱۳۸۱: ۲).

از این رو پس از مرور این تعاریف، تعریف دکتر فرهادی را برگزیدیم که به باور ما تعریفی دقیق و کارشناسانه است. از طرفی تعریف وی برآمده از تجربه میدانی وی بوده و افزون بر همه گاهی و همه جایی بودن، کاملاً بر جامعه ایران منطبق است. از این رو ما را از چالش و گرفتار شدن در ویژگی‌های غیر بومی می‌رهاند.

این تعریف علاوه بر اصولی بودن، نسبت به سایر تعاریف موجود، فراگیری بیشتری نیز دارد و انواع یاریگری‌ها را در بر می‌گیرد. این فراگیری به ما اجازه می‌دهد که در این پژوهش، متون بیشتری را با این عنوان بررسی کنیم.

دکتر فرهادی به هم معنایی ناقص همکاری و مشارکت اعتقاد دارد و به پشتوانه همین هم معنایی ناقص، آن‌ها را در کنار یکدیگر، به یک معنا و به جای یکدیگر به کار می‌برد و این امر کاملاً آگاهانه و از روی شناخت بوده و در نوشته‌های گوناگون ایشان به صراحت عنوان شده است. تعریف مورد نظر ایشان چنین است:



منظور از یاریگری به عنوان نوعی کنش متقابل اجتماعی پیوسته، یکی بودن و همسویی کوشش‌های دو و یا تعداد بیشتری از افراد است، برای دستیابی به هدف و هدف‌های معین با نیت و منظوری واحد و یا متفاوت (فرهادی، ۱۳۸۸-۱: ۲)

بنابراین مقاله‌هایی که به موضوع مشارکت - از هر نوع و هر بُعد آن - پرداخته‌اند، در زمره جامعه آماری قرار داده‌ایم.

### جامعه آماری و روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، همه پژوهش‌های علمی که در یک دهه اخیر درباره مشارکت و یاریگری در جامعه ایران صورت گرفته است، می‌باشد.<sup>۱</sup> روش نمونه‌گیری در این پژوهش، ترکیبی از شیوه‌های گوناگون دستیابی به پژوهش‌ها بوده است؛ بدین طریق که در اینجا از تمام مقالات موجود در پایگاه داده‌های sid، مجموعه مقالات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک و نیز مقالات موجود در بانک مقالات magiran استفاده نموده‌ایم. علاوه بر آن در فصلنامه‌های علمی پژوهشی علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، نامه علوم انسانی، زنان و... مقالات جستجو شده‌اند. سرانجام ۷۶ مقاله علمی که غالب آنها علمی - پژوهشی هستند، انتخاب شدند. مبنای گزینش این مقالات بدین شیوه بوده که مقالاتی که به موضوع مشارکت، همکاری، انواع یاریگری و شوراها پرداخته‌اند مشروط به اینکه حداقل واجد یکی از گزینه‌های زیر باشند در نمونه انتخابی قرار گرفته‌اند.

---

۱- طبیعتاً با وارد نمودن کتاب‌ها و مقاله‌های روزنامه‌ها در این پژوهش می‌توانستیم دامنه نوشتارهای مورد بحث را گسترده‌تر نموده و بر گوناگونی آن نیز بیفزاییم، اما با این کار از آنجا که وزن همه نوشتارها برابر می‌شد ارزش علمی یک مقاله علمی پژوهشی که دست کم دو سه متخصص دارای مدرک دکتری ارزش علمی آنرا مورد ارزیابی قرار داده و سرانجام کیفیت بالای آن را تایید کرده بودند، در کنار مقالاتی قرار می‌گرفت که ستون نویس یک روزنامه به روش معمول هرروزه و یا احياناً برحسب ضرورت و یا علاقه خویش به اظهار نظر درباره آن پرداخته است. اگرچه مقاله‌های موجود در روزنامه‌ها نیز دارای ارزش و اهمیت می‌باشند اما در این جا تنها به بررسی مقاله‌های معتبر علمی پرداخته‌ایم.

۱- جامعه آماری آنها زیرمجموعه‌ای از جامعه ایران باشد. ۲- در مورد مشارکتی یا نامشارکتی بودن جامعه ایران اظهار نظر کرده باشد.

روش این پژوهش، فرا تحلیل می باشد. در این روش که از نوع کتابخانه‌ای می باشد پژوهش‌های متعددی در باره یک موضوع، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در واقع تجزیه و تحلیل در آیت‌های گوناگون آن پژوهش‌ها صورت می گیرد از جمله پرسش‌های اصلی، روش پژوهش، جامعه آماری آنها و ... .

اقلام مورد بررسی در این روش، به مسائل متعددی ارتباط دارد که بیش از همه متناسب با پرسش‌های پژوهش و اهدافی است که پژوهشگر در فراتحلیل پژوهش‌ها دنبال می کند. بنابراین مطابق با آنچه گفته شد در فراتحلیل، پس از گزینش و گردآوری پژوهش‌ها، نیاز به مقوله بندی نمودن آن‌ها و سپس قیاس و ارزیابی نمونه انتخابی در هر یک از مقولات می باشد.<sup>۱</sup>

در اینجا نیز ابتدا هر مقاله به مقوله‌های زیر تقسیم شده است:

- ۱- موضوع ۲- پرسش اساسی ۳- اهمیت موضوع ۴- ابعاد مشارکت ۵- متغیرهای مستقل (برای مشارکت) ۶- جامعه آماری ۷- حجم نمونه ۸- روش پژوهش (کمی/کیفی) ۹- نوع پژوهش (توصیفی/تبیینی) ۱۰- زمان مورد بررسی ۱۱- سابقه مشارکت ۱۲- پیامدهای مشارکت ۱۳- دیدگاه ۱۴- ترسیم وضع مطلوب ۱۵- راهبردها ۱۶- موانع ۱۷- نقطه عطف
- سپس در هر یک از نمونه‌های انتخابی این موارد را استخراج نموده و در هر دسته به مقایسه آن‌ها پرداخته ایم.

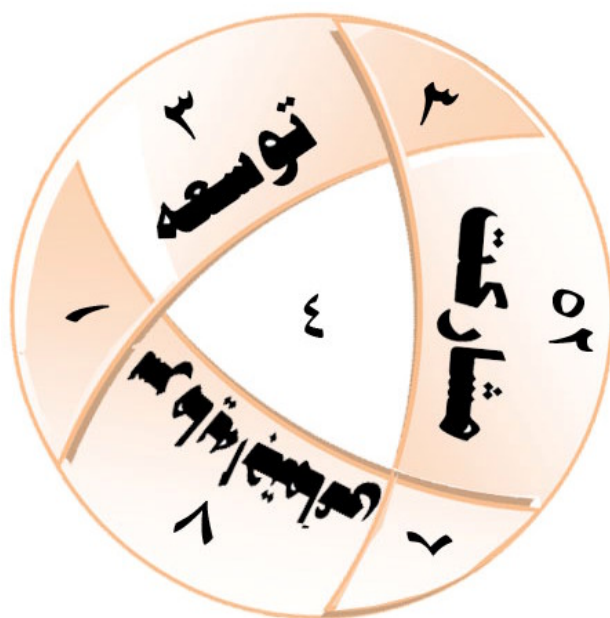
---

۱- جهت رعایت اصول امانت داری لازم است صریحاً تاکید کنیم که برای مقوله بندی این پژوهش، از شیوه دکتر محمد عبدالهی در فراتحلیل هویت و همچنین سازمان‌های مردم نهاد بهره برده ایم.

### یافته‌های پژوهش

از میان ۷۶ مقاله مورد بررسی، موضوعات مطابق شکل زیر می باشد:

همانگونه که در پیکره ۱ دیده می‌شود از مجموع ۷۶ مقاله مورد بررسی، ۵۲ مورد، ابعاد گوناگون مشارکت و یاریگری را در مرکز بحث خود قرار داده‌اند، ۳ مورد به توسعه و ۷ مورد نیز به سرمایه اجتماعی اختصاص داشته‌اند. ۶ مورد هم به مشارکت و هم به سرمایه اجتماعی، ۳ مورد هم به مشارکت و هم به توسعه و ۱ مورد نیز هم به توسعه و هم سرمایه اجتماعی اختصاص داشته است. ۴ مورد از پژوهش‌ها نیز به مسائل متفرقه و متنوع پرداخته‌اند.



پیکره ۱- موضوع محوری پژوهش‌های مورد بررسی موضوع مورد بررسی در پژوهش‌ها

## پرسش‌های اصلی پژوهش

محور سوالات این پژوهش‌ها نیز به صورت زیر (جدول ۱) قابل دسته بندی

می‌باشند:

همانگونه که در جدول ۱ دیده می‌شود پرسش‌های مربوط به بررسی روابط بین مشارکت و یک متغیر دیگر دارای بیشترین فراوانی بوده و عوامل مؤثر بر مشارکت در رده بعدی قرار دارد.

جدول ۱- توزیع پرسش‌ها در نمونه آماری

ردیف	پرسش اصلی پژوهش	فراوانی	درصد
۱	عوامل مؤثر بر مشارکت	۱۹	۲۵
۲	تبیین (تاریخی یا مقطعی) و بررسی (انتزاعی-انضمامی) وضعیت موجود ابعاد گوناگون مشارکت	۱۷	۲۲/۳۷
۳	بررسی رابطه مشارکت (یا متغیرهای اعم آن) با سایر متغیرهای اجتماعی	۲۱	۲۷/۶۳
۴	کنکاش کارکرد و کارآمدی تشکل‌ها	۱۲	۱۵/۷۹
۵	بررسی مسائل متفرقه و غیر مرتبط با مشارکت	۷	۹/۲۱
	جمع	۷۶	۱۰۰

## اهمیت موضوع مورد بررسی در پژوهش‌ها

هریک از مقاله‌ها، موارد مهمی را به موضوعات خویش گره زده‌اند تا ضرورت پرداختن به مسئله خود را توجیه نمایند. فراوانترین مواردی که به عنوان اهمیت در این پژوهش‌ها آمده، در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲- نحوه توزیع اهمیت موضوع در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	اهمیت موضوع	فراوانی	درصد
۱	اهمیت دستیابی به توسعه	۳۷	۴۸/۶۸
	توسعه پایدار	۱۱	۱۴/۴۷
۲	اهمیت جایگاه زنان	۱۱	۱۴/۴۷
۳	اهمیت مشارکت و یاریگری	۱۲	۱۵/۷۹
۴	اهمیت جامعه مدنی و شهروندی	۹	۱۱/۸۴
۵	اهمیت دستیابی به دموکراسی	۸	۱۰/۵۳
۶	اهمیت سرمایه اجتماعی	۸	۱۰/۵۳
۷	تحولات دهه‌های اخیر	۴	۵/۲۶

همانگونه که دیده می‌شود نزدیک به نیمی از مقاله‌ها (۴۸ درصد) با تکیه بر جایگاه و تأثیرگذاری مشارکت در بحث توسعه، ضرورت پژوهش خویش را اثبات کرده‌اند و از میان ۳۷ موردی که دستیابی به توسعه را به عنوان دلیل اهمیت موضوع خود بیان نموده‌اند، ۱۱ مورد بر توسعه پایدار تأکید کرده‌اند.

### ابعاد مشارکت

هرکدام از پژوهش‌ها به ابعادی از مشارکت پرداخته‌اند. هرچند تعداد قابل توجهی از آنها نیز به چند بُعد آن پرداخته‌اند که بدین ترتیب با افزودن تعداد دسته‌ها، دسته‌بندی را با مشکل جدی روبرو می‌کنند. در این جا به ناگزیر از منظر بُعد غالب‌شان، آنها را دسته‌بندی کرده‌ایم:

## جدول ۳- نحوه توزیع اهمیت ابعاد مشارکت در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	بُعد غالب مورد بررسی	فراوانی	درصد
۱	مشارکت سیاسی	۱۷	۲۲/۳۷
۲	مشارکت اجتماعی	۹	۱۱/۸۴
۳	مشارکت مدنی	۱۶	۲۱/۰۵
۴	مشارکت به صورت عام	۱۷	۲۲/۳۷
۵	دگریاری	۶	۷/۸۹
۶	مشارکت ورزشی	۳	۳/۹۵
۷	مشارکت در طرح‌های توسعه	۵	۶/۵۸
۸	مشارکت اقتصادی	۳	۳/۹۵
	جمع	۷۶	۱۰۰

## متغیرهای مستقل

نتایج حاصل از واکاوی متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت - در ابعاد گوناگون آن - نشان می‌دهد که در ۱۵ مورد از پژوهش‌ها هیچ اشاره‌ای به متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت نشده است. در جدول ۴ فراوانی و درصد سایر پژوهش‌ها آمده است. لازم به ذکر است که درصد فراوانی متغیرها در این جدول بر مبنای ۶۱ پژوهشی که دارای متغیر مستقل بوده‌اند، محاسبه شده است:

## جدول ۴- نحوه توزیع سطوح گوناگون متغیرهای مستقل در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	متغیر مستقل برای مشارکت	فراوانی	درصد (از ۶۱ پژوهش)	درصد (از کل پژوهش‌ها)
۱	سطح خرد	۲۲	۳۶/۰۷	۲۸/۹۴
۲	موقعیتی (بین فرد و سایر افراد اجتماع)	۲۶	۴۲/۶۲	۳۴/۲۱
۳	سطح کلان	۹	۱۴/۷۵	۱۱/۸۴

جدول ۵- نحوه توزیع متغیرهای مستقل در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	متغیر مستقل برای مشارکت	فراوانی	درصد کل
۱	متغیرهای جمعیت شناختی	۶	۷/۸۹
۲	تحصیلات	۱۰	۱۳/۱۵
۳	اعتماد اجتماعی	۹	۱۱/۸۴
۴	سرمایه اجتماعی	۴	۵/۲۶
۵	ویژگی‌های شخصیتی	۱۵	۱۹/۷۳
۶	آگاهی	۷	۹/۲۱
۷	پایگاه اجتماعی	۶	۷/۸۹

از میان متغیرهای مورد اشاره در این پژوهش‌ها، متغیرهای زیر دارای بیشترین فراوانی هستند.

همانگونه که در جدول ۵ دیده می‌شود در میان این متغیرها، خبری از متغیرهای مربوط به سطوح کلان نیست که این امر به دلیل کلی گویی تنوع متغیرهای عنوان شده در این سطح است که سبب شده فراوانی متغیرهای مذکور بسیار اندک باشند که در میان آنها مواردی همچون قوانین موجود و ساختارهای متمرکز حاکم بر جامعه دیده می‌شود.

### جامعه آماری

جامعه آماری ۷۶ پژوهش مورد بررسی، از نظر تعداد فراوانی، به ترتیب از این قرار است: متون مختلف، مردم روستایی، شهروندان تهرانی، ساکنین شهرهای مختلف تهران، دانشجویان و گروه‌های خاص (مهاجرین و افراد زیر پوشش کمیته امداد). از میان ۲۶ پژوهشی که به بررسی متون پرداخته‌اند، ۳ مورد به قوانین، یک مورد به اسناد تاریخی، ۳ مورد به داده‌های به دست آمده از پژوهش‌های پیشین و سایر موارد

به متون مکتوب نوشته دیگران اختصاص دارند که در این میان نیز ۵ مورد به مسائل زنان پرداخته‌اند. جامعه آماری سایر پژوهش‌ها در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- نحوه توزیع جامعه آماری در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	جامعه آماری	فراوانی	درصد
۱	مردم روستایی	۱۷	۲۲/۳۶
۲	شهروندان تهرانی	۱۱	۱۴/۴۷
۳	ساکنین شهرهای مختلف ایران	۹	۱۱/۸۴
۴	دانشجویان	۷	۹/۲۱
۵	متون	۲۶	۳۴/۲۱
۶	گروه‌های خاص (مهاجرین و افراد تحت پوشش کمیته امداد)	۳	۳/۹۴
۷	نامشخص	۳	۳/۹۴
	جمع	۷۶	۱۰۰

از میان جوامع آماری مندرج در جدول ۶، موارد ۱ تا ۴، هر کدام ۱ مورد کاملاً به زنان اختصاص داشته است. بدین صورت که تنها به زنان روستایی، زنان شهروندان تهران، زنان ساکن شهرهای مختلف ایران و دانشجویان دختر پرداخته‌اند.

### روش پژوهش

روش پژوهش در مقاله‌های مورد بحث متفاوت است به طوری که (بر اساس جدول ۷)، ۴۵ مورد از روش‌های کمی، ۲۳ مورد از روش‌های کیفی و ۸ مورد نیز از تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی استفاده کرده‌اند.

جدول ۷- نحوه توزیع روش تحقیق در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	روش	فراوانی	درصد
۱	کمی	۴۵	۵۹/۲۱
۲	کیفی	۲۳	۳۰/۲۶
۳	تلفیقی	۸	۱۰/۵۳
	جمع	۷۶	۱۰۰



اما در تفکیکی دیگر از انواع روش تحقیق (مطابق جدول ۸) ۴۳ مورد از روش میدانی، ۲۸ مورد از روش کتابخانه‌ای و ۵ مورد از تلفیق روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی سود برده‌اند.

جدول ۸- نحوه توزیع روش تحقیق در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	روش	فراوانی	درصد
۱	میدانی	۴۳	۵۶/۵۸
۲	کتابخانه‌ای	۲۸	۳۶/۸۴
۳	تلفیقی	۵	۶/۵۸
	جمع	۷۶	۱۰۰

چیزی که می‌توان به این جدول‌ها اضافه نمود این است که ۳۵ مورد (حدود ۴۶/۵ درصد) از پژوهش‌ها، از روش پیمایش استفاده نموده‌اند.

### زمان مورد بررسی در پژوهش

همانگونه که در جدول ۹ دیده می‌شود، در حالیکه ۵۰ مورد (۶۵/۷۹ درصد) از پژوهش‌ها به مقطع زمانی حال پرداخته‌اند، ۲۱ مورد به تبیین تاریخی، ۲ مورد به مقایسه دو مقطع خاص (پانل) و ۳ مورد باقی مانده نیز به تبیین نظری (همه گاهی) روی آورده‌اند.

از میان ۲۱ مقاله‌ای که به تبیین تاریخی پرداخته‌اند، ۱۳ مورد مقولات مربوط به ۱۰۰ سال اخیر را مورد بررسی قرار داده‌اند، که از میان این ۱۳ مورد نیز ۵ مورد به دوران بعد از انقلاب اسلامی اختصاص دارد.

جدول ۹- نحوه توزیع زمان مورد بررسی در پژوهش‌های مورد بررسی

درصد	فراوانی	زمان مورد بررسی	ردیف
۶۵/۷۹	۵۰	حال (مقطعی)	۱
۲۷/۶۳	۲۱	تاریخی	۲
۲/۶۳	۲	طولی	۳
۳/۹۵	۳	نظری	۴
۱۰۰	۷۶	جمع	

### موانع مشارکت

مطابق با ادعای پژوهش‌های مورد بررسی، موانع مشارکت در جامعه آماری‌شان بدین قرار است: ۸ مقاله موانع مشارکت را ناشی از ویژگی‌های کنشگران دانسته‌اند، در حالیکه ۱۸ مورد ساختارهای حاکم در گذشته و حال را مانعی برای مشارکت می‌دانند و ۱۱ پژوهش نیز به هر دو عامل ساختار و کنشگر اشاره نموده‌اند.

جدول ۱۰- نحوه توزیع موانع مشارکت در پژوهش‌های مورد بررسی

درصد	فراوانی	موانع مشارکت	ردیف
۱۰/۵۲	۸	کنشگران	۱
۲۳/۶۸	۱۸	ساختارها	۲
۱۴/۴۷	۱۱	تلفیقی از ساختارها و کنشگران	۳
۵۱/۳۱	۳۹	فاقد اظهار نظر	۴
۱۰۰	۷۶	جمع	

از میان موانعی که در این نمونه آماری برای مشارکت عنوان شده، بیشترین فراوانی از آن تمرکز قدرت (۸ مورد) و استبداد چندهزار ساله (۶ مورد) و امنیت پایین، بی اعتمادی به دولت و آگاهی اندک کنشگران ایرانی (هرکدام ۴ مورد) می باشد.

### سابقه مشارکت

نتایج کنکاش در میان این پژوهش‌ها (مطابق جدول ۱۱) نشان می دهد که در حالی که ۴۶ مورد از پژوهش‌ها اشاره‌ای به سابقه مشارکت نکرده‌اند، ۱۰ مورد سابقه آن را حدود یک قرن، ۱۴ مورد آن را مربوط به سالهای بسیار دور و ۲ مورد نیز مشارکت (به شکل مورد بررسی خود) را امری نوپا دانسته‌اند. ۴ مورد نیز بر این اعتقادند که در یک بعد، مشارکت سابقه‌ای حدود یک قرن دارد و در بعد دیگر دارای سابقه‌ای بسیار طولانی است.

جدول ۱۱- نحوه توزیع سابقه مشارکت از منظر پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	سابقه مشارکت	فراوانی	درصد
۱	از دیرباز	۱۴	۱۸/۴۲
۲	در حدود یک قرن	۱۰	۱۳/۱۶
۳	نوپا	۲	۲/۶۳
۴	در بعدی یک قرن و در بعد دیگر از دیرباز	۴	۵/۲۶
۵	فاقد اظهار نظر	۴۶	۶۰/۵۳
	جمع	۷۶	۱۰۰

### پیامدهای مشارکت

همانگونه که در جدول ۱۲ آمده است مواردی که پژوهش‌های مورد بررسی به پیامدهای مشارکت نسبت داده‌اند متعدد و متفاوت می‌باشد که مهمترین آنها (از نظر تعداد فراوانی) بدین قرار می‌باشند:

جدول ۱۲- نحوه توزیع پیامدهای مشارکت از منظر پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	پیامد مشارکت	فراوانی	درصد
۱	توسعه	۳۹	۵۱/۳۲
۲	افزایش کارایی در ابعاد مختلف (طرح‌های توسعه و مدیریت)	۱۳	۱۷/۱۱
۳	دموکراسی و توزیع قدرت	۱۱	۱۴/۴۷
۴	همبستگی و انسجام	۱۹	۲۵
۵	جامعه مدنی و مولفه‌های آن	۷	۹/۲۱
۶	کاهش معضلات و هزینه‌ها	۶	۷/۸۹
۷	کاهش نابرابری	۴	۷/۲۶

لازم به ذکر است که ۹ مورد از مقالات هیچ اشاره‌ای به پیامدهای مشارکت ننموده و برخی از آنها چند پیامد برای آن ذکر نموده‌اند.

### حجم نمونه

حجم نمونه در این پژوهش دارای دامنه ۱۶ نفر تا ۱۷۵۹ نفر می‌باشد. برای تفکیک و دسته بندی حجم نمونه راه‌های متعددی وجود دارد. در اینجا با این توجیه به دسته بندی زیر پرداخته‌ایم که به طور معمول (نه الزاماً درست) در بسیاری از پژوهش‌ها با در نظر گرفتن مقدار واریانس ۰/۲۵ و دقت ۰/۰۵ با توسل به فرمول کوکران، عدد

۳۰۰ تا ۴۰۰ به دست می آید. از این رو با مینا قرار دادن بازه ۳۰۰ تا ۴۰۰، جدول ۱۳ بدست آمده است:

جدول ۱۳- نحوه توزیع حجم نمونه در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	حجم نمونه	فراوانی	درصد
۱	کمتر از ۳۰۰ نفر	۱۱	۱۴/۴۷
۲	۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر	۱۳	۱۷/۱۱
۳	۴۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر	۱۲	۱۵/۷۹
۴	بالاتر از ۱۰۰۰ نفر	۶	۷/۸۹
۵	نامشخص	۳۴	۴۴/۷۴
	جمع کل	۷۶	۱۰۰

نکته قابل توجه در اینجا این است که با وجود ۲۸ مورد پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای، در هیچیک از این پژوهش‌ها حجم نمونه مشخص نیست.

### دیدگاه‌ها

گوناگونی و تعدد نظریات و نظریه پردازان مورد توجه در مقالات مورد بررسی، مانع دسته بندی این نظریات و نظریه پردازان شده است و تنها می توان به ذکر این نکته پرداخت که در میان دیدگاه‌ها، دیدگاه‌های مبتنی بر مکتب نوسازی دارای بیشترین فراوانی می‌باشند و حدود ۱۵ مقاله از این دیدگاه استفاده کرده‌اند. از میان نظریه پردازان نیز پاتنام، پارسونز، بوردیو، گیدنز و دال به ترتیب با ۹، ۶، ۵، ۴ و ۴ مورد دارای بیشترین فراوانی می‌باشند.

جدول ۱۴- نحوه توزیع ترسیم وضعیت مطلوب در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	وضعیت مطلوب	فراوانی	درصد
۱	جامعه مشارکتی	۳۶	۵۹/۰۱
۲	جامعه مدنی واجد نهادهای توانمند	۱۱	۱۸/۰۳
۳	جامعه توسعه یافته در ابعاد مختلف	۱۵	۲۴/۵۹
۴	جامعه دموکرات با مدیریت محلی	۳	۴/۹۱
۵	موارد متفرقه	۴	۶/۵۵
۶	فاقد جامعه مطلوب مشخص	۷	۱۱/۴۷
	جمع کل	۷۶	۱۰۰

### ترسیم وضعیت مطلوب

مطابق جدول ۱۴ از میان نمونه آماری این پژوهش، ۶۱ مورد به طور صریح یا ضمنی واجد وضعیت مطلوب و ۷ مورد فاقد وضعیت ذهنی مطلوب می باشند و تنها به بررسی مسئله مورد پژوهش پرداخته‌اند.

از میان ۶۱ موردی که واجد وضعیت مطلوب می باشند ۳۶ مورد جامعه مشارکتی، ۱۱ مورد جامعه مدنی و برخوردار از نهادهای مدنی توانمند و ۱۵ مورد جامعه توسعه یافته در ابعاد مختلف را در افق مطلوب خویش قرار داده‌اند که از این ۱۵ مورد آخر، ۵ مورد بر توسعه مبتنی بر الگوی مشارکت تاکید کرده‌اند.

### راهبردها

معمولاً راهبردها و پیشنهادات از سوی پژوهش‌های مختلف ارائه می شوند تا زمینه دستیابی به جامعه مطلوب خویش را پی ریزی نمایند. در اینجا نیز اگر چه علاوه بر ۷ پژوهش فاقد جامعه مطلوب، ۲۹ مورد دیگر نیز راهبردی برای دستیابی به جامعه

مطلوب خویش ارائه نداده‌اند اما ۴۰ مقاله دیگر راهبردهای متعددی ارائه نموده‌اند که مهمترین آنها از نظر تعداد فراوانی در جدول ۱۵ آمده‌اند.

جدول ۱۵- بررسی وضعیت راهبردها در پژوهش‌های مورد بررسی

ردیف	راهبردها	فراوانی	درصد
۱	آموزش	۱۶	۴۰
۲	تشکیل، گسترش و اهمیت نهادن به نهادها	۱۵	۳۷/۵
۳	فرهنگ سازی و ترویج مشارکت	۱۰	۲۵
۴	آگاهی	۹	۲۲/۵
۵	استفاده از رسانه‌ها	۸	۲۰
۶	بستر سازی و تخصیص امکانات توسط دولت	۷	۱۷/۵
۷	تغییر یا اصلاح قوانین	۶	۱۵
۸	استقلال بخشیدن به نهادها و اختیار دادن به مردم	۵	۱۲/۵
۹	ندارد	۳۶	

#### میزان مشارکت در جامعه

از میان ۷۶ مقاله مورد پژوهش، ۲۴ مقاله اظهار نظری در این باره نکرده‌اند و ۲ مورد نیز اگرچه اظهار نظرهایی کرده‌اند اما به دلیل اینکه هیچ یک به میزان مشارکت اشاره نکرده و مشخص نکرده‌اند که در نهایت جامعه ایران را مشارکتی یا غیر مشارکتی می‌دانند، در این بخش از آنها استفاده نشده است. بنابراین مباحث زیر مربوط به ۵۰ مقاله‌ای است که در این باره اظهار نظر کرده‌اند.

## وجود و عدم وجود نقطه عطف<sup>۱</sup>

۱۶۷ مورد معتقدند که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین گذشته و حال وجود ندارد، که از میان این ۱۶ مورد، ۸ مورد وجود مشارکت در گذشته و حال، ۴ مورد فقدان مشارکت در گذشته و حال، و ۳ مورد نیز در ابعاد خانواده و قبیله، مشارکت محدود و پراکنده را پذیرفته اما مشارکت دارای سازماندهی و قانونمند را رد می‌کنند. ۱ مورد نیز مشارکت را در یک بعد (خیریه‌ای) از گذشته تاکنون بالا خوانده اما در بعد دیگر (سیاسی) مشارکت را پایین دانسته است.

بلافاصله باید اضافه کنیم که اگر مقاله‌های دکتر فرهادی نویسنده پرکار مشارکتی را از این میان کم کنیم، تعداد مقاله‌هایی که معتقدند جامعه ایران در گذشته و حال مشارکتی بوده، از ۸ مورد به ۲ مورد می‌رسد. این مسئله به خودی خود نشان دهنده این است که فرهادی به تنهایی سهم قابل توجهی در مشارکتی خواندن جامعه ایرانی داشته است.

✓ در میان ۱۶ مقاله‌ای که قائل به نقطه عطف در میزان مشارکت جامعه ایرانی هستند، ۸ مقاله اگرچه بر مشارکتی بودن جامعه سنتی و گذشته ایران صحنه می‌گذارند اما در حال حاضر مشارکت را پایین‌تر از گذشته ارزیابی کرده‌اند که از این میان ۳ مورد با اشاره به مشارکت پایین در ابعاد رسمی و مشارکت متوسط و متوسط رو به بالا در ابعاد غیر رسمی، نهایتاً مشارکت را در حد پایین دانسته‌اند. ۲ مقاله نیز بدون اینکه اشاره‌ای به نقطه عطف کنند، به وجود آن معتقدند و ادعا کرده‌اند که برخلاف وضعیت مشارکتی در گذشته، در وضعیت کنونی با نوعی فردگرایی منفی و تعاون پایین روبرویم. یک مقاله نیز مدعی شده که مشارکت و همبستگی جمعی تحت تأثیر نظریه‌های نوسازی، نسبت به گذشته کاهش یافته و مقاله دیگری نیز بر این باور است که مشارکت اقتصادی بعد از انقلاب کاهش یافته است. اما آخرین مقاله از این دسته، دخالت دولت در چندین دهه گذشته را نقطه عطفی برای کاهش مشارکت در وضعیت کنونی دانسته است.



در طرف دیگر برخی مقاله‌ها که فراوانی شان به ۸ مورد می‌رسد، جامعه گذشته را فاقد مشارکت دانسته و برخی رویدادهای قرن اخیر را نقطه عطفی برای افزایش مشارکت دانسته‌اند. غالب این مقاله‌ها صریحاً اعلام کرده‌اند که در وضعیت کنونی نیز هنوز میزان مشارکت پایین است. بدین ترتیب این مقاله‌ها بر این باورند که مشارکت در ایران امری نوپاست و ما به نوعی در ابتدای راه مشارکت گراییم.

۲۷ مقاله نیز مدعی وجود دست کم دو نقطه عطف می‌باشند. یکی از این مقاله‌ها نقطه عطف اول را مربوط به دوره قاجار دانسته و معتقد است که در این دوره مشارکت سیاسی زنان آغاز شده و نقطه عطف دوم را انقلاب اسلامی می‌داند و معتقد است که بعد از انقلاب این میزان مشارکت به شدت کاهش یافته است. مقاله دوم هم اگرچه انقلاب اسلامی را نقطه عطف اول می‌داند که سبب کاهش مشارکت زنان شده اما دهه ۱۳۷۰ را نقطه عطف دیگری می‌داند که سیر صعودی را در افزایش مشارکت اقتصادی زنان به دنبال داشته است.

۷ برخی مقاله‌ها هم بدون اشاره به وضعیت مشارکت در گذشته، تنها به بررسی این مقوله در زمان حال پرداخته‌اند. از این مقاله‌ها که تعدادشان به ۱۶ مورد می‌رسد، ۶ مورد جامعه مورد پژوهش خویش را غیر مشارکتی (درواقع با مشارکت کم) خوانده، ۲ مورد جامعه خود را مشارکتی و ۲ مورد نیز اگرچه جمع‌گرایی ایران را رد نکرده‌اند اما در یک قیاس، فردگرایی غیر عقلانی و خود شیفتگی ایرانیان را بیش از آمریکایی‌ها دانسته‌اند. ۶ مورد آخر نیز به تفکیک در ابعاد مختلف پرداخته‌اند، که از این تعداد، ۴ مورد تمایل به مشارکت را نسبتاً بالا و مشارکت عملی را نسبتاً پایین خوانده‌اند، ۲ مورد نیز مشارکت غیر رسمی را تا حدی بالا، اما مشارکت رسمی را بسیار پایین خوانده‌اند. بنابراین به طور خلاصه می‌توان چنین گفت که ۱۸ مورد از مقاله‌های مورد بررسی در این پژوهش، دست کم به یک نقطه عطف در سیر تاریخی مشارکت ایرانیان باور دارند. دامنه نقطه عطف در همه این پژوهش‌ها، بازه‌ای حدود یک قرن می‌شود که قدیمی‌ترین آن در اواخر دوره قاجار و تازه‌ترین آن دهه ۱۳۷۰ می‌باشد. اگرچه در

محدوده زمانی رخداد نقطه عطف، نزدیکی زیادی بین این صاحب‌نظران وجود دارد اما در پیشامد و پسامد آن، اختلاف نظر بسیار است. در حالی که ۹ مورد از این مقولات تحولات یک سده اخیر همچون انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی، شهرنشینی و تجربه مدرنیته و... را نقطه عطفی برای صعودی شدن - کم و بیش - روند مشارکت می‌دانند، ۶ مقاله نیز رخداد‌های مشابه - فراگیر شدن نظریات نوسازی، رواج فردگرایی افراطی، انقلاب، توسعه برون‌زا و مداخلات بیش از پیش دولت - را نقطه عطفی برای کاهش مشارکت دانسته‌اند و ۳ مورد نیز نگاهی دوگانه به این رخدادها دارند بدینگونه که با مشارکت در ابعادی افزایش و در ابعادی کاهش یافته است.

### مشارکت زنان

اگر از منظر جنسیتی به این پژوهش‌ها بنگریم در می‌یابیم که ۶۴ مورد از پژوهش‌ها یا به مسئله جنسیت توجه‌ای نکرده و یا هر دو جنس را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما ۱۲ پژوهش صرفاً به زنان اختصاص داشته است که ۴ مورد از آن‌ها در مورد میزان مشارکت زنان در جامعه مورد بررسی‌شان اظهار نظر نکرده‌اند و از ۸ موردی که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، ۶ مورد میزان مشارکت را پایین، ۱ مورد متوسط و ۱ مورد نیز آن را بالا دانسته‌اند. این مسئله بدان معناست که حدود ۸۳ درصد (۱۰ مورد از ۱۲ مورد) از پژوهش‌هایی که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، در این مورد اتفاق نظر دارند که میزان مشارکت زنان در جامعه ایران پایین است.

### مشارکت سیاسی

ظاهراً مشارکت سیاسی مهمترین دغدغه مشارکت‌گرایان نمونه آماری این پژوهش می‌باشد چرا که ۲۲ مقاله به بررسی این بُعد پرداخته‌اند - ۱۷ مورد بُعد غالب مورد بررسی‌شان بوده است - ۹ مورد اظهارنظری درباره میزان مشارکت نکرده، ۷ مورد صریحاً مشارکت سیاسی در جامعه مورد پژوهش خویش را پایین خوانده، و ۵

مقاله دیگر تنها به این مسئله بسنده کرده‌اند که مشارکت سیاسی در ایران پدیده‌ای تازه است.

در کل، هیچ یک از مقاله‌های یاد شده، مشارکت سیاسی در ایران را دارای سابقه در گذشته نمی‌دانند، تنها مقاله‌ای (۱ مورد) که اگرچه مختص مشارکت سیاسی نیست اما در متن مقاله ادعا کرده که مشارکت سیاسی حتی در نظام استبدادی - حتی به شیوه‌ای عمیق تر و شدیدتر - نیز وجود دارد و بنابراین ایران در گذشته واجد مشارکت سیاسی نیز بوده است، مقاله فضای مفهومی مشارکت دکتر فرهادی است. به نوعی در این جا نیز دکتر فرهادی دارای عقیده‌ای خلاف سایرین می‌باشد. به باور دکتر فرهادی در این مقاله، اگر منظور از مشارکت رابطه روش پژوهش (کمی / کیفی) با میزان مشارکت و مشارکت بین دولت و ملت است جز در موارد انقلابات و جنگ‌ها، غالباً این مشارکت کم بوده و یا وجود نداشته است. اما اگر منظور مشارکت مردم بر علیه حکومت‌ها باشد، ایران یکی از کهنسال‌ترین مشارکت‌های سیاسی را با تعریف «مایرون وینر» در جهان دارا می‌باشد؛ وجود دو انقلاب و چند نهضت و تقریباً همه انواع مشارکت سیاسی از نهضت تنباکو گرفته تا به امروز را ایرانیان تجربه کرده‌اند.

جدول ۱۶ - نحوه توزیع میزان مشارکت برحسب روش پژوهش

میزان مشارکت		کم	متوسط	زیاد	جمع
روش توزیع مشارکت	کمی	۱۹	۵	۲	۲۶
	کیفی	۴	۲	۸	۱۴
	تلفیقی	۱	۲	۲	۵
جمع		۲۴	۹	۱۲	۴۵

اگر مواردی که در آن درباره میزان یا وضعیت مشارکت در جامعه اظهار نظر نکرده‌اند (missing) را از بررسی کنار بگذاریم با ۴۵ پژوهش روبرو خواهیم بود و همانطور که

در جدول ۱۶ دیده می‌شود، ۲۶ مورد از روش‌های کمی، ۱۴ مورد کیفی و ۵ مورد از روش‌های تلفیقی استفاده کرده‌اند.

### رابطه روش با میزان مشارکت

بررسی رابطه بین روش مورد بررسی پژوهش و اظهار نظر درباره مشارکتی یا غیر مشارکتی بودن جامعه آماری پژوهش‌ها به وسیله آزمون خی دو - مطابق جدول ۱۷ - با ۹۵ درصد اطمینان، تایید می‌گردد. این رابطه نشان می‌دهد که غالب پژوهش‌هایی که از روش کمی در گردآوری و تحلیل داده‌ها (و بیشتر از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه) استفاده کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که ایران در وضعیت نامشارکتی قرار دارد و یاریگری در آن ضعیف می‌باشد. در حالی که آنهایی که از روش‌های کیفی و تلفیقی بهره برده‌اند، نتیجه‌ای متفاوت گرفته و مشارکت را نسبتاً بالا قلمداد کرده‌اند.

جدول ۱۷ - بررسی رابطه بین روش پژوهش و میزان مشارکت بر اساس آزمون آماری

خی دو

	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون خی دو	۱۴/۵۰۸	۴	۰/۰۰۶
تعداد موارد	۴۵		

### نتیجه‌گیری

فرا تحلیل ۷۶ مقاله در نمونه آماری این پژوهش نشان می‌دهد که ۲۶ مورد از این پژوهش‌ها اظهار نظری در باب میزان مشارکت در جامعه ایران نکرده‌اند. از میان سایر

پژوهش‌ها، ۸ مورد ایرانیان را همواره مشارکت جو دانسته‌اند در طرف مقابل ۴ مورد نیز بر مشارکت‌گریزی آنها در طول تاریخ صحنه گذارده‌اند.

## منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴)، گذار به دموکراسی، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۷)، جامعه دهقانی در ایران. تهران: انتشارات پیام.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۸)، جامعه شناسی روستای ایران، تهران: انتشارات پیام.
- دهقان، غلامرضا و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴)، «تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی، ش ۱.
- رضوانی، محمدرضا؛ بدری، سیدعلی؛ سلمانی، محمد و قرنی آرانی، بهروز. (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مشارکتی توسعه روستایی، مطالعه موردی حوضه آبخیز حبله رود»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۶۹.
- شادی طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته. (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۲۸.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
- فرهادی، مرتضی. (۱-۱۳۸۱)، «نقد آرا در تعریف و نظریه‌های گونه‌شناسی یاریگری»، نامه انسان‌شناسی. ش ۱.
- فرهادی، مرتضی. (۲-۱۳۸۱)، «فضای مفهومی مشارکت»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۹.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۷)، واژه، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸-۱)، فرهنگ یاریگری در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸-۲)، انسان شناسی یاریگری، تهران: نشر ثالث.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۹)، «بازتاب آموزه‌های دینی در فرهنگ ایرانی و بنیادهای دگریار ناهم‌تراز»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۴۶.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و سخایی، فاطمه (۱۳۸۸)، «مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۰.
- لمتون، ا. اس. (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.

### پیوست

- فهرست مقالاتی که در این جا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند از این قرار است:
- احمدی، نزهت. (۱۳۸۵)، «کارکرد موقوفات در گسترش مذهبی دوره صفوی»، مجله پژوهش‌های تاریخی، پاییز و زمستان.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۶)، «بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۴.
- ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۷)، «بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره برداری‌های دهقانی به تعاونی»، نامه علوم اجتماعی شماره ۳۳.
- ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۳)، «سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکل‌های تولیدی. (مطالعه موردی: حوزه آبریز کرخه)»، مجله جامعه شناسی ایران دوره پنجم، شماره ۴.

- اسعدی، سید محمد؛ اعتصام فرناز؛ نایت، کیم اچ، الفنباین؛ مورتون اچ؛ رضاعی، فرزین. (۱۳۸۵)، «رابطه فردگرایی و جمع گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی» تازه‌های علوم شناختی، سال ۸، شماره ۱.
- ایمانی جاجرمی، حسن. (۱۳۸۷)، «بررسی جامعه شناختی شوراهای اسلامی با رویکرد کیفی نظریه بنیانی»، پژوهشنامه شماره ۳۰، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی
- بروجردی، اشرف. (۱۳۸۷)، «بررسی فرصت‌ها، آسیب‌ها، چالش‌ها و راه‌های توانمندسازی شوراهای اسلامی شهر و روستا»، پژوهشنامه شماره ۳۰، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- پناهی، محمدمیر؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸)، «چگونگی شکل‌گیری شهر شهروند مدار؛ بررسی نقش مشارکت در نهادهای آموزشی و تأثیر آن بر تکوین مشارکت مدنی در بزرگسالی»، دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۴.
- پناهی، محمد حسین؛ یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۳)، «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۶.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴)، «نظریه راهبرد سیاست سرزمینی جامعه‌ایران: پژوهش شهرشناسی»، مجله اندیشه‌ایران‌شهر، شماره ۶.
- پیران، پرویز. (بی تا)، «آسیب شناسی شورا در ایران»، نشریه نوروز، شماره ۱۶. (خلاصه‌ای از «جمع بندی مطالعات انجام شده در تدوین منشور شهر تهران»)
- تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد؛ کوهستانی نژاد، مسعود. (۱۳۸۳)، «سرمایه اجتماعی و سیاست اجتماعی. (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)»، فصلنامه رفاه اجتماعی. (ویژه سیاست اجتماعی).
- جنادله، علی. (۱۳۸۶)، «بررسی روند تغییرات نگرش‌های فرهنگی - سیاسی در ایران. (یک تحلیل ثانویه بر اساس پیمایش‌های ملی)»، پژوهشنامه شماره ۷، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.

- حاجیلری، عبدالرضا. (۱۳۸۷)، «بررسی موانع فرهنگی عدم توسعه کار جمعی و گروهی در تشکلهای و مجموعه‌های دانشجویی» فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۴.
- حاضری، و رهبری، هادی. (۱۳۸۵)، «بررسی ماهیت طبقاتی تجار در دوره قاجاریه» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
- حسن دارابی - نقش مشارکت در طراحی محیط روستایی - فصلنامه محیط‌شناسی سال سی و پنجم شماره ۵۲ - ۱۳۸۸
- حسینی، قاسم. (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه سیگانگی سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی و امنیت ملی» فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۶.
- حمیدیان، علیرضا؛ جوان، جعفر. (۱۳۸۶)، «شورای روستایی در بوته خرده فرهنگ دهقانی راجر؛ نمونه شهرستان سبزوار» مجله جغرافیا و توسعه.
- خلیلی، محسن. (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران» پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲.
- دهقان، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴)، «تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
- رضوانی، محمدرضا؛ بدری، سید علی؛ سلمانی، محمد. (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مشارکتی توسعه روستایی. (مطالعه موردی: حوزه آبخیز حبله رود)». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹.
- روشنفکر، پیام و ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۵)، «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه» فصلنامه رفاه اجتماعی سال ششم، شماره ۲۳.
- زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر؛ حیدری، امیرارسلان. (۱۳۸۶)، «فقر و سرمایه اجتماعی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.



- زراء نژاد، منصور؛ منتظر حجت، امیرحسین. (۱۳۸۴)، «نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۷)، «نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تامین امنیت اجتماعی. (با تکیه بر شهر تهران)» مجله مطالعات اجتماعی ایران. (ویژه نامه شهر و محله)، دوره دوم، شماره ۲.
- صدیق سروسنایی، رحمت الله؛ عنبری، موسی. (۱۳۸۳)، «باورهای خرده فرهنگی و مشارکت امدادی در ایران» نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- شادی طلب، ژاله؛ حجتی کرمانی، فرشته. (۱۳۸۷)، «فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی». فصلنامه رفاه اجتماعی سال هفتم، شماره ۲۸.
- شریف زاده، فتاح؛ صدقی، جواد. (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر» دوفصلنامه علمی- ترویجی مطالعات مدیریت، سال ۱۹، شماره ۵۹.
- شارع پور، محمود؛ حسینی راد، علی. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی. (مطالعه موردی شهروندان ۱۵-۱۹ ساله شهر بابل)» نشریه حرکت، شماره ۳۷.
- شفق، محمدعلی. (۱۳۸۷)، «شوراها در آیین قانون»، پژوهشنامه شماره ۳۰. (ویژه نامه شوراها: چالش‌ها و کارکردها)، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- شفیع، سمیه سادات. (۱۳۸۶)، «داده‌های فرهنگی، بنیان بررسی تغییرات فرهنگی. (بررسی انتقادی پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی ایرانیان)»، پژوهشنامه شماره ۷، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- شکوری، علی. (۱۳۸۶)، «بررسی نظری و تجربی کنش‌های نوع دوستانه» سیاست داخلی، سال اول، شماره ۲.
- طالب، مهدی؛ ویویه، آن سوفی. (۱۳۸۱)، «افزاد: هم بستگی اجتماعی و خود اتکایی محلی در یک روستای ایرانی»، نامه انسان شناسی دوره اول، شماره دوم.

- علاءالدینی، پویا؛ رضوی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، «وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.
- عبدالمهی، احمد؛ ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۵)، «ارزیابی کارکرد اجتماعی سازمان‌های غیردولتی با نمونه سازمان‌های زیست محیطی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- عبدالمهی، محمد. (۱۳۸۳)، «زنان و نهادهای مدنی؛ مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- عبدالمهی، محمد؛ ساعی، علی. (۱۳۸۴)، «تحلیل جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.
- علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث؛ اولایی، سعید. (۱۳۸۶)، «تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان روستایی»، مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲.
- غفاری، مسعود؛ قاسمی، علی اصغر. (۱۳۸۵)، «نقش جنبش‌های جوانان شهری در گذار به دموکراسی در ایران. (۱۳۵۰-۱۳۸۰)». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، شماره ۲.
- غلامعلی زاده، سمیه؛ رضایی مقدم، کوروش. (۱۳۸۸)، «چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها»، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۶)، «تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
- فداکار داورانی، محمد مهدی. (۱۳۸۸)، «قنات و سرمایه اجتماعی». فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال اول - شماره ۱ - ۱۳۸۸

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۰)، «آدمی گری و یاریگری؛ واقعیت‌ها، ضرورت‌ها و پیشینه یاریگری. (همکاری، مشارکت)، در تاریخ آدمیان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵ و ۱۶.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۹)، «بازتاب آموزه‌های دینی در فرهنگ ایرانی و بنیادهای دگریار ناهمتراز»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۶ پاییز ۱۳۸۸. (چاپ در ۱۳۸۹).
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۳)، «ساخت جهانی همکاری؛ همه گاهی و همه جایی بودن انواع جوهری یاریگری و مشارکت» فصلنامه علوم اجتماعی، ویژه نامه مشارکت. (همکاری و یاریگری)، شماره ۲۶.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۴)، «صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن»، نامه پژوهش شماره ۱.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۱)، «فضای مفهومی مشارکت؛ هم معنایی و ناهم معنایی یاریگری. (یاوری و تعاون)، با مشارکت. (انبازی) و همکاری»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۹.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۷)، «گونه شناسی یاریگری و تعاونی‌های سنتی در ایران» پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی «ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی»
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۹)، «نگاهی به انواع گله و شبان و یاریگری در چرانیدن دام چکنه. (خرده مالکی) در ایران» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۸ و ۵۹.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳)، «نگرش انسان شناختی بر پنداشت روستاییان از مشارکت سیاسی و چند عامل مؤثر بر آن در دو روستای نمونه گرمسار» فصلنامه علوم اجتماعی، ویژه نامه مشارکت. (همکاری و یاریگری)، شماره ۲۶.
- فولادیان، جواد؛ سهرابی، مهدی؛ عطارزاده حسینی، سید رضا و فارسی، علی رضا. (۱۳۸۸)، «مقایسه سوگیری ورزشی. (ورزش گرایی) ورزشکاران رشته‌های انفرادی و گروهی و ارتباط آن با انگیزه مشارکت ورزشی»، پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۲.

- فیروزآبادی، سید احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کلان شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی سال ششم، شماره ۲۳.
- فیروزجائی، علی احمد؛ صدیقی، حسن؛ محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۵)، «مقایسه مولفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تولیدی روستایی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- قانع‌ی راد، محمد امین؛ حسینی، فریده. (۱۳۸۴)، «ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی. (مطالعه تجربی در بین جوانان)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.
- قدیری معصومی، مجتبی؛ شرفی، حجت الله. (۱۳۸۵)، «ارزشیابی طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی. (ره)، در افزایش مشارکت مددجویان. (مطالعه موردی بخش‌های مرکزی و نوپندگان فسا)»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره هشتم.
- قربانی، نیما؛ واتسن، پی جی. (۱۳۸۵)، «بررسی خودشیفتگی ناسالم در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی و آمریکایی»، روانشناسی معاصر، شماره ۱.
- کریمی، وهاب. (۱۳۸۷)، «هویت شوراهای محلی: مشکل الگویابی و جایگاه قانونی»، پژوهشنامه شماره ۳۰. (ویژه نامه شوراها: چالش‌ها و کارکردها)، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- کشکر، سارا؛ احسانی، محمد. (۱۳۸۶)، «بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیرخصوصیات فردی»، مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲.
- گل پرور، محسن و عریضی، سیدمحمد رضا. (۱۳۸۵)، «نقش مشارکت شهروندی، شایسته سالاری و ساختارهای سازمانی و رفتار و نگرش کارکنان سازمان‌ها» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ جهانگیری، جهانگیر و خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۴)، «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی». (مطالعه موردی استان فارس)، «مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳».
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ مرادی، گلمراد. (۱۳۸۶)، «رابطه سلامت اجتماعی و سلامت روان در مهاجران»، فصلنامه رفاه اجتماعی سال هفتم، شماره ۲۶.
- لیاقت، محمدجواد؛ یزدخواستی، بهجت؛ نقوی، فتانه و سمیعی، فاطمه. (۱۳۸۷)، «تأثیر و نقش اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی بر اساس نگرش دانشجویان دختر دانشگاه‌های اصفهان» مجله علمی پژوهشی زنان، سال اول، شماره سوم.
- محسنی تبریزی، علیرضا «بیگانگی؛ مانعی برای مشارکت و توسعه ملی و بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی» نامه پژوهش، شماره ۱.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۳)، «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ سخایی، فاطمه. (۱۳۸۸)، «مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان دماوند». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰.
- معیدفر، سعید؛ دربندی، سید علیرضا. (۱۳۸۵)، «بررسی رفتار و نگرش جمع گرایانه شهروندان تهرانی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و پور نعمت، آرش. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان» پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی «ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی».
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

- مهاجری، اصغر. (۱۳۸۷)، «بررسی جامعه شناختی موانع ساختاری و کنشی شوراهای اسلامی در ایران»، پژوهشنامه شماره ۳۰. (ویژه نامه شوراها: چالش‌ها و کارکردها)، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- مهدوی، مسعود؛ نجفی کانی، علی اکبر. (۱۳۸۴)، «دهیاری، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران. (نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی)»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳.
- میری آشتیانی، الهام. (بی تا)، «تهدیدات فرهنگی، توسعه نیافتگی و امنیت ملی در ایران امروز». (ماخوذ از پایگاه داده‌های سید در آذر ۱۳۸۹).
- ناطق پور، محمدجواد. (۱۳۸۷)، «شوراهای اسلامی و چالش‌های پیش رو- پژوهشنامه شماره ۳۰. (ویژه نامه شوراها: چالش‌ها و کارکردها)»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه‌های پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- ناطق پور، محمدجواد؛ فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴.
- نوذر شفیعی؛ فرهاد نوایی. (۱۳۸۹)، «فساد درون سازمانی ایران در پرتو شخصیت اقتدارگرا و ساخت پاتریمونیالیسم سنتی و ایللیاتی جامعه»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا نهادهای آموزشی و تأثیر آن بر تکوین مشارکت مدنی در بزرگسالی، دوفصلنامه مدیریت شهری شماره ۲۴.
- وثوقی، منصور؛ فرجی، افراسیاب. (۱۳۸۵)، «پژوهشی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه سازی اراضی مزروعی. (مطالعه موردی روستاهای زرین دشت)» مجله جامعه‌شناسی، دوره هفتم، شماره ۲.

- وثوقی، منصور؛ هاشمی، عبدالرسول. (۱۳۸۳)، «روستائیان و مشارکت سیاسی در ایران؛ مطالعه موردی روستاهای حومه شهرستان بوشهر. (چاه کوتاه، آبپویل، تل اشکی)». فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۶.
- یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- یزدان پناه، لیلا؛ صمدیان، فاطمه. (۱۳۸۷)، «تأثیر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی»، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲.

